

ارزیابی نقش شورای اسلامی در توسعه روستایی (مطالعه موردی روستاهای شهرستان‌های خوی و نور)

زهرا احمدی پور^۱، رضا الهوردی زاده^{۲*}، مختار نائیجی کیاکلا^۳

- ۱- دانشیار، جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۷/۹/۴ پذیرش: ۸۸/۴/۲۳

چکیده

شوراهای روستایی از نهادهای محلی و مردمی هستند که با توجه به تمرکززدایی اداری و اجرایی، مدیریت امور روستایی را برعهده گرفتند. به نظر می‌رسد شوراهای روستایی از توانایی لازم در مدیریت روستایی برخوردار نیستند و بیشتر کارگزار نهادهای دولتی هستند تا اینکه به صورت نهادهای مستقل و مردمی عمل کنند. سؤال اساسی تحقیق این است: چرا شورای روستاها، برخلاف انتظاراتی که از آن‌ها می‌رود، در توسعه یافتگی روستاها نقش چندانی ایفا نمی‌کنند؟ به منظور پاسخ به این سؤال، متغیرهای رضایت، آگاهی و اختیار اعضای شورای روستایی دو شهرستان خوی (از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی) و نور (از شهرستان‌های استان مازندران) بررسی شده است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه است. پس از اثبات رابطه معناداری بین متغیرها مشاهده می‌شود که متغیر رضایت از نقشی که شوراهای برعهده دارند بیشترین تأثیر مستقیم را نسبت به متغیرهای آگاهی و اختیار بر توسعه روستایی دارد و می‌تواند به تنهایی ۴۰ درصد از واریانس متغیر توسعه روستایی را تبیین کند. متغیر اختیار از طریق متغیر واسطه عملکرد شوراهای نیز بیشترین تأثیر غیرمستقیم را بر توسعه روستایی دارد. در مجموع، ۶۸ درصد از شوراهای اعلام کرده‌اند اختیارات آن‌ها محدود است و ۵۷ درصد اظهار داشته‌اند به طور کامل از وظایف خود آگاهی ندارند و در نهایت ۵۳ درصد بیان کرده‌اند از کار خود رضایت کامل ندارند. (این متغیرها براساس شاخص سنجیده شده و تحلیل علل آن در تحقیق تشریح شده است.)

واژه‌های کلیدی: روستا، توسعه روستایی، شورا، رضایت، اختیار، آگاهی.



۱- مقدمه

شورای اسلامی روستا از نهادهای محلی است که پس از تصویب طرح تشکیلات شوراهای اسلامی کشور، در تاریخ ۱/ ۹/ ۱۳۶۱ در استان‌های کشور برپا شده است. بنا به ضرورت تشکیل شوراهای روستاها، به‌ویژه در روستاها جهت بهسازی و بهبود وضعیت روستاییان با اصرار جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۱، ضمن تصویب طرح «قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری»، جهاد سازندگی مسئول تشکیل شورای روستایی با همکاری وزارت کشور شد. با تصویب «قانون انتخابات شورای اسلامی» در سال ۱۳۶۵ برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا به وزارت کشور محول، و وظایف جهاد سازندگی حذف شد؛ ولی به علل مختلف از جمله جنگ تحمیلی، اجرای این قانون امکان‌پذیر نشد (وثوقی، ۱۳۷۷: ۲۶۰). در سال ۱۳۷۵ با تصویب «لایحه قانونی تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای و شهرداری‌ها» در مجلس و اجرای انتخابات شوراهای در سطح شهرها، شهرک‌ها، روستاها و بخش‌ها در هشتم اسفند سال ۱۳۷۷، شوراهای در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به‌طور رسمی کار خود را شروع کردند. وجود نظام اداری و برنامه‌ریزی بخشی^۱ در کشور موجب شده است از سال ۱۳۴۲ تاکنون، در هر دوره با توجه به اینکه انجمن ده و یا شورا را چه سازمانی سرپرستی می‌کند، بین وظایف شوراهای با کارکرد آن سازمان تداخل به‌وجود آید (طالب، ۱۳۷۷: ۳-۱۳).

۲- بیان مسئله

شوراهای نهاد مردمی و مستقلی هستند که براساس اصل هفتم قانون اساسی وظیفه تصمیم‌گیری و اداره امور محلی را بر عهده دارند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱: ۶۵). برنامه‌ریزان سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸) با تشکیل شوراهای اسلامی در پی دستیابی به این اهداف بودند: اجرای سیاست عدم تمرکز، سپردن کارهای عمرانی و اقتصادی و رفاهی به مردم، سرعت بخشیدن به جریان امور، رفع تبعیض، نظارت اجتماعی، تکمیل کار دستگاه‌های دولتی، هدایت و رهبری برنامه‌های محلی، آگاه‌سازی مردم و بالا بردن

1. Sectoral Planning

توان دولت (علوی‌تبار، ۱۳۷۸: ۷۶). توسعه مناطق روستایی به‌منظور بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم طراحی شده است. این رویکرد در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین همه گروه‌های روستایی از جمله طبقه محروم است که در نواحی روستایی در پی گذران زندگی هستند (World Bank, 1975: 3).

با این تفاسیر، مدعای تبیینی پژوهش این است که شوراهای توسعه روستایی از کارآیی مطلوبی برخوردار نیستند و بیشتر جنبه نمادین دارند و تصمیمات نهادهای دولتی را در سطح روستا اجرا می‌کنند. علاوه بر این، قوانین عادی شوراهای مبهم است و حدود آن با وظایف نهادهای دولتی در امور محلی مشخص نیست. برای مثال در شرح وظایف شوراهای، واژگانی چون بررسی، همکاری، پیشنهاد، مراقبت، جلب مشارکت، پیگیری و امثال آن فراوان به چشم می‌خورد که از آن‌ها نمی‌توان مفهوم تصمیم‌گیری و مدیریت امور محلی مکان و منطقه جغرافیایی را دریافت (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۵۸).

۳- سؤال‌های پژوهش

سؤال اصلی پژوهش این است: چرا شورای روستاها، برخلاف انتظاراتی که از آن‌ها می‌رود، در توسعه‌یافتگی روستاها نقش چندانی ایفا نمی‌کنند؟ برای یافتن جواب این سؤال، پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها ضروری است:

۱. آیا بین رضایت شوراهای روستاها از مسئولیت خود و ایفای نقش آن‌ها رابطه وجود دارد؟
۲. تصمیم‌گیری و اختیاراتی که به شوراهای داده می‌شود بر ایفای نقش آن‌ها چه تأثیری دارد؟
۳. آیا آگاهی از مسئولیت شوراهای روستاها بر ایفای نقش آن‌ها تأثیر دارد؟
۴. بین ایفای نقش شوراهای روستاها و توسعه روستایی چه رابطه‌ای وجود دارد؟
۵. کدام‌یک از متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی بیشترین تأثیر را بر توسعه روستایی دارد؟

۴- چارچوب نظری

با نگاهی به رهیافت‌های مختلف در باب توسعه روستایی، دو مدل متفاوت از آن را مشاهده می‌کنیم. اولی، مدل قدیمی از توسعه است که بیشتر فن‌محور و معتقد به توسعه از بالا به



پایین^۱ است. براساس این رهیافت، زمینه‌ها، راه‌حل‌ها و برنامه‌ها و طرح‌ها از طرف دولت و یا عوامل آن به جوامع روستایی ارائه می‌شود. ویژگی اصلی این مدل و الگو، ماهیت دستورالعملی، متمرکز و بالا به پایین در طراحی و اجرا، راه‌های استاندارد شده و نسخه‌وار است که کارشناسان آن را تعریف و تدوین کرده‌اند. در این رهیافت افراد ذینفع شامل بهره‌برداران و تولیدکنندگان از کمترین مشارکت یا مشارکت منفعلانه برخوردارند (شریعتی، ۱۳۸۲: ۳۳۷-۳۵۷). در این رهیافت مردم دریافت‌کنندگان توسعه هستند. این مدل هرچند صادقانه و با صحت فنی همراه است، در عمل با کنار ماندن مردم از جریان توسعه، ناتوانمندی جوامع را به همراه دارد. علاوه بر این، آثار و نتایج توسعه به شکل ناموزونی بین توده مردم، بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و مناطق کشور توزیع می‌شود (صرافی، ۱۳۷۷: ۵۰). در این مدل از توسعه (بالا به پایین) علاوه بر تمرکزگرایی، حاکمیت برنامه‌ریزی بخشی نیز موجب می‌شود برنامه‌های عمران روستایی که به‌طور مستقل و مجزا در بخش‌های مختلف برنامه پراکنده‌اند، با یکدیگر هماهنگ نباشند؛ در نتیجه همین مسئله باعث ناکارآمدی و نارسایی برنامه‌های عمران روستایی می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۰: ۲۵-۳۸).

مدل جدید توسعه سطوح خردتر و محدودتری مانند روستاها را شامل می‌شود و حول مفهوم مشارکت تمرکز یافته است. چنین رهیافتی مشارکت را مسئله‌ای محوری تلقی می‌کند و از همان ابتدا با روستاها ارتباط می‌یابد (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۲۲-۲۳). راهبرد دوم بر توسعه از پایین به بالا^۲ و بر مشارکت مردم مبتنی است و پیش‌شرط اساسی و ابزاری برای توسعه همه‌جانبه است. مشارکت مردمی ابزاری است که از طریق آن تک‌تک اعضای جامعه می‌توانند در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثر بر محیط زندگی‌شان مشارکت کنند (Wihick, 1999). مدیریت روستایی در فرایند توسعه روستایی یکپارچه و پایدار نقش اساسی دارد. همچنین مدیریت توسعه روستایی فرایندی چندجانبه، و شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و به‌وسیله تشکیلات و سازمان‌های روستایی برنامه‌های

1. Top-Down Development
2. Down-Top Development

توسعه روستایی تدوین و اجرا می‌شود و تحت نظارت و ارزش‌یابی قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). بنابراین فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت روستایی باید با همکاری متعادل و فعال نیروهای بیرونی (دولت، نهادهای عمومی و بازار) و درونی (مردم، تشکّل‌ها و سازمان‌های محلی) صورت گیرد؛ از این نوع مدیریت به مدیریت مشارکتی یاد می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱-۳۰).

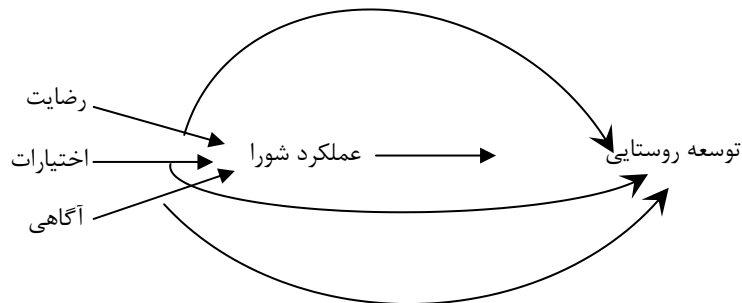
در راهبرد دوم که بر توسعه از پایین به بالا و نقش نهادهای مردمی تأکید دارد، باید روابط سازمان‌های دولتی با شوراهای نهادینه شود. در این راهبرد برای سامان دادن برنامه‌های روستایی، باید همه فعالیت‌های جانبی اعم از تخصیص اعتبار، تنظیم امور و برنامه‌ریزی، ارائه اطلاعات، اجرا، نظارت و ارزش‌یابی بین سازمان‌های دولتی و شورا تقسیم شده باشد. نباید انتظار داشت شوراهای در مدیریت روستایی تمام فعالیت‌های یادشده را به‌عهده گیرند؛ زیرا امکانات محلی اجازه اجرای چنین کاری را از شوراهای سلب می‌کند (ازکیا و جاجرمی، ۱۳۸۴: ۵۱). بدون ارائه اطلاعات و تخصیص اعتبار نمی‌توان طرح‌های روستایی را در غیاب دولت انجام داد.

در مجموع، بهترین راهبرد برای توسعه روستایی تلفیقی از این دو رهیافت است؛ چرا که کمبودهای هر یک به‌وسیله دیگری برطرف می‌شود. این امر از طریق جریان‌های نیرومند اطلاعات، هم از سطوح بالا به پایین و هم برعکس حاصل می‌شود. جریان‌هایی که از سطوح بالا به پایین می‌رسند، ممکن است شامل اطلاعات مربوط به سیاست‌ها، اولویت‌ها، آماج‌ها، رهنمودهای برنامه‌ریزی، اطلاعات بودجه‌ای، اطلاعات فنی، دستورالعمل‌های هماهنگی، بازنگری نظارت و ارزش‌یابی طرح‌ها و پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزی مجدد باشد. جریان‌های اطلاعات از پایین به بالا نیز ممکن است شامل این موارد باشد: داده‌های اطلاعاتی، اطلاعات مربوط به نیازها، اولویت‌ها و آماج‌های محلی و مسائل و محدودیت‌هایی که در سطوح محلی با آن‌ها روبه‌رویند (سازمان خواروبار و کشاورزی، ۱۳۷۱: ۶۵). بنابراین، راهبرد تلفیقی بر توسعه جوامع روستایی و سرانجام توسعه کشور تأکید خاصی دارد. این تلفیق جهت دست‌یابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی در اجتماعات کوچک به‌ویژه روستاها پیشنهاد می‌شود؛ زیرا توسعه به‌عنوان پدیده‌ای



چندبعدی مستلزم برنامه‌ریزی در سطوح گوناگون است. توسعه محلی و مشارکتی موفق، به تکرار ضربه‌های توسعه از بالا به پایین و برعکس بستگی دارد (میسرا، ۱۳۳۸: ۵۱).
شوراها پل ارتباطی راهبردهای یادشده و واسطه میان دولت و مردم هستند. شوراهای شهر و روستا نهادهای مدیریتی منسجمی هستند و وظیفه دارند ساختار مدیریت اجرایی کشور را به سمت مردم‌سالارانه شدن سوق دهند؛ مشارکت مردم را در اداره امور و تصمیم‌گیری درباره مسائل مختلف مرتبط با محیط زندگی خود آسان کنند و در نهایت عاملی برای ارتقای سطح زندگی روستاییان باشند (شیخ، ۱۳۸۱: ۲۵). موضوعاتی که در این پژوهش برای تحلیل عملکرد شوراهای بازمینی و بررسی شده، عبارت است از:

۱. رضایت شوراهای از مسئولیتی که از سوی مردم به آن‌ها واگذار شده است؛
 ۲. تصمیم‌گیری و اختیارات شوراهای؛
 ۳. آگاهی شوراهای از مسئولیتی که بر عهده آن‌هاست.
- مدلی که در این تحقیق مبنای فرضیه قرار گرفته، به صورت زیر طراحی شده است:



شکل ۱ مدل تحلیلی تحقیق

- با توجه به مدل و براساس ارتباط متغیرهای نام‌برده در آن، فرضیه‌های تحقیق از این قرار است:
۱. بین رضایت شوراهای از مسئولیت خود و عملکرد آن‌ها رابطه وجود دارد.

۲. تصمیم‌گیری و اختیاراتی که به شوراهای داده می‌شود بر عملکرد آنها تأثیر دارد؛ به طوری که هرچه اختیارات آنها بیشتر باشد، عملکرد و کارایی آنها بیشتر است.
۳. آگاهی از مسئولیت شوراهای بر عملکرد آنها تأثیر دارد.
۴. بین عملکرد شوراهای و توسعه روستایی رابطه وجود دارد؛ به طوری که هرچه عملکرد شوراهای بیشتر باشد، امکان تحقق توسعه روستایی هم بیشتر می‌شود.
۵. رضایت شوراهای از نقش خود بیشترین تأثیر مستقیم را بر توسعه روستایی دارد.

۵- تعریف متغیرهای اصلی تحقیق

رضایت^۱: رضایت یعنی داشتن احساس خوشایند از انجام کار و ارزیابی نتایج فعالیت‌هایی که از سوی مراکز خدمات انجام گرفته است و همچنین رضایت از سهم‌بودن در این برنامه‌ها (ازکیا، ۱۳۸۱: ۳۰۸-۳۱۹). این متغیر با طیف لیکرت و شاخص‌هایی همچون رضایت از اختیارات، رضایت از روابط خود با نهادهای دولت و رضایت از نقشی که بر عهده دارند، در پرسش‌نامه ارزیابی شده است. همچنین این مفهوم با یک سؤال دوجوابی نیز مورد پرسش قرار گرفته است تا مفهوم آن هم قبل و هم بعد از واگذاری این نقش در نظر گرفته شود.

آگاهی^۲: یعنی مطلع بودن از برنامه‌ها و اهداف و همچنین آگاهی از حدود و اختیارات و جریان کارهای انجام‌شده است (همان‌جا). این متغیر با طیف لیکرت و شاخص‌هایی همچون آگاهی از برنامه‌های شوراهای، آگاهی از وظایف شوراهای، آگاهی از حدود و اختیارات شوراهای، آگاهی از کارهای انجام‌شده، آگاهی از وضعیت اقتصادی روستا و آگاهی از روابط خود با نهادهای دولتی، در پرسش‌نامه ارزیابی شده است.

اختیارات^۳: اختیارات به معنای مؤثر بودن، مداخله کردن و اظهارنظر کردن درباره نحوه انجام امور روستا در ابعاد مختلف است (همان‌جا). این متغیر با طیف لیکرت و شاخص‌هایی همچون اختیار در مورد تصمیم‌گیری در امور محلی، اختیار در تأسیس مراکز آموزشی، اختیار

1. Satisfaction
2. Knowledge
3. Making Decision



در تأسیس مراکز فرهنگی، اختیار در نظارت بر امور کشاورزان، اختیار در حل اختلافات و دعاوی روستایی و اختیار در مورد چگونگی اجرای طرح‌های عمرانی، در پرسش‌نامه ارزیابی شده است.

عملکرد^۱: میزان کارایی شوراها در اداره امور اجتماعی و اقتصادی محل است. در این پژوهش منظور از آن، میزان تأثیرگذاری شوراها در اداره امور اجتماعی و اقتصادی محل مورد نظر است. منظور از عملکرد، همان ایفای نقش شوراهاست که با طیف لیکرت و شاخص‌هایی همچون کارایی شوراها در حل اختلافات و دعاوی روستایی، کارایی شوراها در ماشینی کردن وسایل و ابزارآلات کشاورزی، کارایی شوراها در فراهم کردن وام، کارایی شوراها در حمایت از کشاورزان و کارایی شوراها در فراهم آوردن خدمات روستایی، در پرسش‌نامه ارزیابی شده است.

شورا^۲: شورا به معنای تجمعی است برای رای‌زنی، نظرسنجی، تصمیم‌گیری و در مواردی اجرا، نظارت و ارزیابی. اما باید توجه کرد که رای‌زنی فقط معنای لغوی شورا، آن هم معنای حداقل آن است و دیرینگی آن به کهنسالی زندگی اجتماعی انسان می‌رسد (پیران، ۱۳۸۱: ۷۴-۱۰۱). هریک از شوراهای جغرافیای کشور (شورای روستا، شهر، بخش، شهرستان، استان و شورای عالی استان) بر اساس مشارکت مستقیم و غیرمستقیم مردم در انتخاب آن‌ها به شوراهای پایه‌ای، میانی و میهنی تقسیم می‌شود (ساسان، ۱۳۸۰: ۵۰-۵۳).

توسعه روستایی^۳: توسعه مفهومی فراتر از رشد دارد و تحولات کیفی و ساختاری متفاوت با روال گذشته را می‌طلبد (صرافی، ۱۳۸۲: ۷۴-۹۸). از آنجایی که توسعه دارای وجوه گوناگون است، پس از مشخص کردن ابعاد آن به شاخص‌بندی دو بعد آن می‌پردازیم: اقتصادی و اجتماعی. شاخص‌های آن به این صورت است: ارتقای رفاه و سطح زندگی تمام آحاد مردم، بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی، بهبود شرایط

1. Performance
2. Board
3- Rural Development

آموزشی، فراهم کردن ابزارآلات کشاورزی، اجرای طرح‌های عمرانی در منطقه و پیگیری برنامه‌های توسعه روستایی.

۶- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه است. سؤال‌های پرسش‌نامه به دو صورت پرسش‌های باز و بسته طرح شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است. متغیرهای مستقل تحقیق عبارت‌اند از: رضایت، اختیارات، آگاهی و عملکرد شوراهای و متغیر وابسته نیز توسعه روستایی است. همچنین متغیر عملکرد شوراهای، نقش متغیر واسطه را دارد. واحد تحلیل در این تحقیق شوراهای، واحد مشاهده فرد و جامعه آماری نیز دهستان‌های شهرستان‌های خوی و نور است. برای تعیین نمونه آماری از دو نوع نمونه‌گیری استفاده شده است: نمونه‌گیری خوشه‌ای و نمونه‌گیری تصادفی. نمونه‌گیری به این صورت انجام شد: شهرستان‌های خوی و نور به‌عنوان خوشه‌های اصلی در نظر گرفته شدند. هر یک از این شهرستان‌ها نیز دارای دهستان‌های زیادی بودند که به شیوه تصادفی تعدادی از آن‌ها گزینش شدند. در نهایت پس از انتخاب دهستان‌ها، تعدادی از روستاها انتخاب و سرانجام کل شوراهای آن روستا برای پرسش برگزیده شدند که در مجموع شامل صد شورا بودند.

۷- یافته‌های توصیفی تحقیق

گزارش توصیفی پژوهش در جدول‌های زیر آمده است.

جدول ۱ تقسیمات سیاسی در دو شهرستان مورد مطالعه

نام شهرستان	تعداد بخش	تعداد شهر	تعداد دهستان	تعداد روستا (دارای سکنه)	تعداد شورای روستایی
خوی	۴	۳	۱۱	۲۳۱	۵۳۲
نور	۳	۵	۹	۱۸۲	۴۱۵

(سال‌نامه آماری کشور، ۱۳۸۶)



جدول ۲ جدول فراوانی واحدهای پژوهش بر حسب مدرک تحصیلی در دو شهرستان مورد مطالعه

شهرستان نور		شهرستان خوی		مدرک تحصیلی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴	۲	۲	۱	خواندن و نوشتن
۸	۴	۳۲	۱۶	سیکل
۲۴	۱۲	۲۶	۱۳	دیپلم
۲۴	۱۲	۸	۴	فوق دیپلم
۳۰	۱۵	۲۸	۱۴	کارشناسی
۱۰	۵	۴	۲	کارشناسی ارشد
۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۰	جمع

۸- آزمون فرضیه‌های پژوهش و تحلیل داده‌ها

در آزمون فرضیه‌های پژوهش و تحلیل داده‌ها سعی شده است تا پس از اجرای فرمان Correlation و یافتن هم‌تغییری و همچنین رابطه معناداری، به تحلیل رگرسیون پرداخته شود.

جدول ۳ نتایج آزمون همبستگی پیرسون

تعداد کل نمونه	ضریب پیرسون	Sig. (2-tailed) محاسبه شده	آزمون فرضیه‌ها
۱۰۰	۰/۴۴۸	۰/۰۰۰	فرضیه اول
۱۰۰	۰/۵۳۷	۰/۰۰۰	فرضیه دوم
۱۰۰	۰/۴۱۷	۰/۰۰۰	فرضیه سوم
۱۰۰	۰/۶۶۷	۰/۰۰۰	فرضیه چهارم

۸-۱- تحلیل ضریب پیرسون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول، دوم، سوم و چهارم: مقدار (sig. 2 - Tailed) محاسبه شده (۰/۰۰۰) که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بین عملکرد شوراهای و رضایت از مسئولیت (فرضیه اول)، بین عملکرد شوراهای و اختیاراتی که بر عهده آن‌ها گذاشته می‌شود (فرضیه دوم)، بین عملکرد شوراهای و آگاهی از وظایف (فرضیه سوم) و بین عملکرد شوراهای و توسعه روستایی (فرضیه

چهارم) رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرض H_1 تأیید و فرض H_0 رد می‌شود؛ در نتیجه فرضیه‌های مورد نظر تأیید می‌شود. با توجه به Pearson Correlation محاسبه شده که بین $0/4-0/6$ است، شدت همبستگی بین این متغیرها در حد متوسط و زیاد است و با توجه به علامت Pearson Correlation که مثبت است، بین این متغیرها رابطه مستقیم وجود دارد (جدول ۳).

برای آزمون فرضیه پنجم: «رضایت شوراها از نقشی که بر عهده دارند بیشترین تأثیر را بر توسعه روستایی دارد»، نیاز به تحلیل رگرسیونی است تا بتوان بیشترین تأثیر را مشخص کرد. با تحلیل‌های رگرسیون مقدار واریانس‌هایی که هر یک از متغیرهای مستقل، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، متغیر وابسته را تبیین می‌کنند، مشخص شده است. همچنین تمام فرضیه‌ها به‌ویژه فرضیه پنجم با همین مقادیر در تحلیل مسیر که برگرفته از مدل نظری پژوهش است، مشخص شده است.

۸-۲- تحلیل رگرسیون

• ضریب رگرسیون چندگانه عملکرد شوراها با ترکیب خطی متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی ضریب رگرسیون چندگانه عملکرد شوراها با ترکیب خطی متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی برابر با $0/633$ است و نسبتی از تغییرات یا واریانس عملکرد شوراها که از طریق متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی تبیین شده، به اندازه $0/40$ است (جدول ۴).

جدول ۴ ضریب رگرسیون چندگانه عملکرد شوراها با ترکیب خطی متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی

متغیرهای پیش‌گو	ضریب رگرسیون (R)	مقدار واریانس تبیین شده (R ²)
آگاهی، اختیار و رضایت	$0/633$	$0/40$

در این تحقیق تابع رگرسیون عرض از مبدأ معادل $0/43$ است؛ به این معنا که اگر اثر متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی بر عملکرد شوراها کنترل شود، عملکرد شوراها به میزان $0/43$ است (جدول ۵).



جدول ۵ مقدار b و β در تحلیل رگرسیونی چندگانه میزان عملکرد شوراهای

مقدار بتا	خطای معیار	مقدار B	مدل
	۲/۰۷۴	-۰/۴۳۶	مقدار ثابت
۰/۲۰۹	۰/۰۸۴	۰/۲۵۰	آگاهی
۰/۳۸۴	۰/۰۶۵	۰/۳۵۷	اختیار
۰/۲۴۱	۰/۰۷۲	۰/۲۵۴	رضایت

بر اساس جدول شماره پنج، اگر متغیرهای اختیار و رضایت و آگاهی وارد شود، این نتایج به دست می آید: به ازای یک واحد افزایش در میزان آگاهی به اندازه ۰/۲۵ واحد تغییر مثبت در عملکرد شوراهای، با افزایش هر واحد در میزان متغیر اختیارات به اندازه ۰/۳۵ واحد تغییر مثبت در عملکرد شوراهای و سرانجام به ازای یک واحد افزایش در رضایت شوراهای از نقش خود، به اندازه ۰/۲۵ واحد تغییر مثبت در عملکرد شوراهای حاصل می شود که معادله آنها به صورت زیر است:

$$y = \text{(تفویض اختیارات)} + ۰/۳۵ + \text{(آگاهی از مسئولیت)} + ۰/۲۵ + ۰/۴۳ = \text{(عملکرد شوراهای)} + \text{(رضایت شوراهای از نقش خود)} + ۰/۲۵$$

همچنین ضرایب Beta در رگرسیون بیانگر این است که واگذاری اختیارات به شوراهای بیشترین تأثیر را در عملکرد شوراهای دارد (بتای واگذاری اختیارات به شوراهای برابر با ۰/۳۸ است).

- ضریب رگرسیون ساده توسعه روستایی با ترکیب خطی متغیر عملکرد شوراهای ضریب رگرسیون ساده توسعه روستایی با ترکیب خطی متغیر عملکرد شوراهای برابر با ۰/۶۶۷ است؛ یعنی اینکه نسبتی از تغییرات یا واریانس توسعه روستایی که از طریق متغیر عملکرد شوراهای تبیین شده، به اندازه ۰/۴۴ است (جدول ۶).

جدول ۶ ضریب رگرسیون ساده توسعه روستایی با ترکیب خطی متغیر عملکرد شوراهای

مقدار واریانس تبیین شده (R^2)	ضریب رگرسیون R	متغیر پیش گو
۰/۴۴۵	۰/۶۶۷	عملکرد شوراهای

در این تحقیق تابع رگرسیون عرض از مبدأ معادل ۵/۶۵ است؛ به این معنا که اگر اثر متغیر عملکرد شوراها بر توسعه روستایی کنترل شود، توسعه روستایی به میزان ۵/۶۵ است (جدول ۷).

جدول ۷ مقدار b و β در تحلیل رگرسیونی با ترکیب خطی متغیر عملکرد شوراها

مدل	مقدار B	خطای معیار	مقدار بتا
مقدار ثابت	۵/۶۵۹	۱/۵۳۹	
عملکرد	۰/۹۱۱	۰/۰۸۴	۰/۶۶۷

بر اساس جدول شماره هفت، اگر متغیر عملکرد شوراها وارد شود، این نتیجه به دست می‌آید: به ازای یک واحد افزایش در میزان عملکرد شوراها به اندازه ۰/۹۱ واحد تغییر مثبت در توسعه روستایی حاصل می‌شود.

$$y = (\text{عملکرد شوراها}) + ۰/۹۱ = ۵/۶۵ + (\text{توسعه روستایی})$$

- ضریب رگرسیون چندگانه توسعه روستایی با ترکیب خطی متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی ضریب رگرسیون چندگانه توسعه روستایی با ترکیب خطی متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی برابر با ۰/۵۸ است؛ یعنی اینکه نسبتی از تغییرات یا واریانس توسعه روستایی که از طریق متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی تبیین شده، به اندازه ۰/۳۳ است (جدول ۸).

جدول ۸ ضریب رگرسیون چندگانه توسعه روستایی با ترکیب خطی متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی

متغیرهای پیش‌گو	ضریب رگرسیون (R)	مقدار واریانس تبیین شده (R^2)
آگاهی، اختیار و رضایت	۰/۵۸۲	۰/۳۳۹

در این تحقیق تابع رگرسیون عرض از مبدأ معادل ۰/۷۲ است؛ به این معنا که اگر اثر متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی بر روی عملکرد شوراها کنترل شود، عملکرد شوراها به میزان ۰/۷۲ است (جدول ۹).



جدول ۹ مقدار b و β در تحلیل رگرسیونی با ترکیب خطی متغیرهای اختیار، رضایت و آگاهی

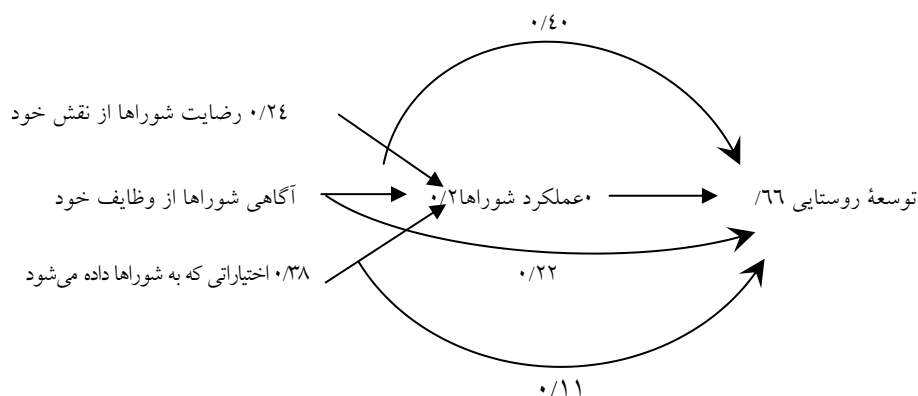
مقدار بتا	خطای معیار	مقدار B	مدل
	۲/۹۷۶	-۰/۷۲۴	مقدار ثابت
۰/۲۲۷	۰/۱۲۱	۰/۳۷۲	آگاهی
۰/۱۱۳	۰/۰۹۴	۰/۱۴۴	اختیار
۰/۴۰۳	۰/۱۰۴	۰/۵۶۱	رضایت

براساس جدول شماره نه، اگر متغیرهای اختیار و رضایت و آگاهی وارد شود، این نتایج به دست می آید: به ازای یک واحد افزایش در میزان آگاهی به اندازه ۰/۳۷ واحد تغییر مثبت در توسعه روستایی، با افزایش هر واحد در میزان متغیر اختیارات به اندازه ۰/۱۴ واحد تغییر مثبت در توسعه روستایی، و سرانجام به ازای یک واحد افزایش در رضایت شوراها از نقش خود به اندازه ۰/۵۶ واحد تغییر مثبت در توسعه روستایی حاصل می شود. معادله آن برابر است با:

$$y = \text{تفویض اختیارات} (۰/۱۴) + \text{آگاهی از مسئولیت} (۰/۳۷) + \text{توسعه روستایی} (۰/۷۲) = \text{رضایت شوراها از نقش خود} (۰/۵۶)$$

ضرایب Beta در رگرسیون گویای این است که رضایت شوراها از نقشی که بر عهده دارند بیشترین تأثیر را در توسعه روستایی دارد (بتای رضایت برابر با ۰/۴۰ است). همچنین ضریب Beta در رگرسیون نشان می دهد عملکرد شوراها به اندازه ۰/۶۶ در توسعه روستایی تأثیر دارد.

اما پس از گرفتن رگرسیون و تحلیل آن باید به مهم ترین بخش این پژوهش، یعنی تحلیل مسیر پردازیم. تحلیل مسیر نیز براساس مدل تحلیل است و با جای گذاری ضریب Betaها الگوی زیر را ارائه می دهد:



شکل ۲ مدل تحلیل مسیر

مدل تحلیل مسیر، نمودار تجربی مدل تحلیل است. در اینجا هر یک از مسیرها از طریق ضریب Beta مشخص شده است (ضریب Beta وزن تفکیکی استاندارد شده رگرسیون است). از طریق این ضریب آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مشخص می‌شود که نتایج آن در ادامه آمده است.

تأثیر غیرمستقیم رضایت شوراها از نقش خود بر متغیر وابسته که توسعه روستایی است برابر است با:

$$0.24 \times 0.66 = 0.15$$

تأثیر غیرمستقیم آگاهی شوراها از وظایف خود بر متغیر وابسته که توسعه روستایی است برابر است با:

$$0.2 \times 0.66 = 0.13$$

تأثیر غیرمستقیم اختیارات شوراها بر متغیر وابسته که توسعه روستایی است برابر است با:

$$0.38 \times 0.66 = 0.25$$

تأثیر مستقیم رضایت شوراها از نقش خود بر توسعه روستایی برابر با ۴۰ درصد، تأثیر مستقیم متغیر آگاهی بر توسعه روستایی برابر با ۲۲ درصد، تأثیر مستقیم متغیر اختیارات بر



توسعه روستایی برابر با ۱۱ درصد و در نهایت تأثیر مستقیم عملکرد و کارآیی شوراهای بر متغیر وابسته، یعنی توسعه روستایی برابر با ۶۶ درصد است. بنابراین با در نظر گرفتن فرضیه پنجم پژوهش - همان گونه که در تحلیل مسیر هم دیده می شود - متغیر رضایت از نقشی که شوراهای بر عهده دارند نسبت به متغیرهای آگاهی و اختیارات بیشترین تأثیر مستقیم را بر توسعه روستایی دارد و می تواند به تنهایی ۴۰ درصد از واریانس متغیر توسعه روستایی را تبیین کند. متغیر اختیارات نیز از طریق متغیر واسطه عملکرد شوراهای بیشترین تأثیر غیرمستقیم را بر توسعه روستایی دارد. با اینکه همه فرضیه ها اثبات شده است، تأیید آن ها نباید این گمان را ایجاد کند که در روستاها توسعه تحقق یافته است؛ بلکه باید به این توجه کرد که ۵۷ درصد از اعضای شوراهای از وظایف خود به طور کامل آگاهی نداشته اند و درباره اختیارات و تصمیم گیری هم ۶۸ درصد اظهار داشته اند که اختیارات آن ها خیلی محدود است. درباره متغیر رضایت که با سؤال دوجوابی به صورت بلی و خیر مورد پژوهش قرار گرفته است، بیشتر شوراهای (۵۳ درصد) اعلام کرده اند از کار خود رضایت کامل ندارند. در پاسخ به چرایی این سؤال گفته شده است که آن ها شورا را با دید سازمان های مردمی و محلی نگاه می کردند؛ اما پس از انتخاب متوجه شدند که اختیارات آن ها خیلی محدود است و قدرت کافی برای تصمیم گیری در مورد مسائل مختلف را ندارند. همین امر یکی از عوامل اصلی نارضایتی شوراهای را نشان می دهد. در واقع شوراهای نوعی تعارض بین اصول قانون اساسی و قوانین عادی شوراهای را مشاهده کردند.

۹- نتیجه گیری و پیشنهاد

گفت و گو با مردم روستاها و اعضای شوراهای اسلامی روستا نشان می دهد چون مردم از حدود اختیارات و وظایف شوراهای آگاهی ندارند، تصورشان این است که شورا باید تمام مشکلات روستا را حل کند. از سوی دیگر، اعضای شورا نیز وظایف و اختیارات خود را نمی شناسند؛ گرچه اکثریت اعضای شورا بدون ارائه استدلال می گویند از وظایف خود آگاه اند. این موضوع حتی در میان برخی مسئولان نیز دیده می شود. برای اینکه شورا نقش

مفید و مؤثری در توسعه روستایی داشته باشد، باید به آموزش اعضای شورا و مردم و مسئولان مربوط توجه ویژه‌ای شود تا اعضای شورا از کار و وظایف خود آگاهی یابند. مردم نیز باید آموزش ببینند تا نقش مالک و ارباب را در قالب این نهاد جدید بازی نکنند؛ بلکه شورا را نهادی تعاملی برای رسیدن به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا بدانند و مسئولان هم شورا را عاملی برای محو و نابودی خودشان تلقی نکنند. فرایند آموزش اصول و مبانی مدیریتی هم براساس توافق بین وزارت کشور و جهاد کشاورزی انجام گیرد. پس از آموزش شوراهای و آشنایی آنها با وظایف خود، باید به آنها اختیار و قدرت اجرایی داده شود تا این نهاد مردمی به‌طور مستقل در مدیریت امور محلی قدرت تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت داشته باشد. شورای اسلامی روستاها و بخش‌های کشور هیچ منبع درآمدی ندارند و این موضوع در قانون شوراهای پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین به دلیل مشکلات مالی تصمیمات شورا اجرا نمی‌شود. علاوه بر این، به‌نظر می‌رسد در انتخابات شورای روستا از لحاظ معیار جمعیت، در نحوه انتخاب اعضای شورا و تعداد آنها مشکلاتی وجود دارد که نیازمند بازبینی است. براساس اصل هفتم قانون اساسی، شوراهای ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور هستند. با نگاهی گذرا به وظایف و اختیارات شوراهای روستا در قوانین عادی شوراهای، قدرت تصمیم‌گیری و مدیریتی شوراهای به‌صورت مبهم بیان شده است؛ زیرا براساس ماده ۶۸ قانون وظایف و اختیارات شوراهای، به شوراهای در امر «برنامه‌ریزی» در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، سوادآموزی و سایر امور با موافقت و هماهنگی مراجع مربوط اشاره شده است. وقتی از اصطلاح «برنامه‌ریزی» در توسعه روستا و مشارکت مردمی استفاده می‌شود، می‌باید سه وجه مدیریتی: تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت داشته باشد تا شوراهای بتوانند به‌صورت نهاد مستقل، مدیریت امور محلی را به‌عهده گیرند و برای امور عمرانی، اجتماعی و فرهنگی روستا «برنامه‌ریزی» کنند؛ درحالی‌که این مورد در قانون شوراهای به‌صورت مبهم بیان شده و تصمیم‌گیری شوراهای روستایی را وابسته به موافقت مراجع مربوط دانسته است. شوراهای به‌عنوان نمادی از توسعه سیاسی باید عهده‌دار مدیریت امور



محلی باشند و زمینه مشارکت اهالی منطقه را در اداره امور خویش فراهم کنند. اگر شوراها منزلت و موقعیت اجرایی مناسبی داشته باشند، می توانند در مسیر کوچک کردن دولت، با ایجاد ساختاری روان، مردم را از بروکراسی پیچیده دولتی نجات دهند.

۱۰- منابع

- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*. تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرومی. (۱۳۸۴). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارآیی شوراهای اسلامی شهر». *نامه علوم اجتماعی*. ش ۲۶.
- اوکلی، پیتر و دیوید مارسدن. (۱۳۷۰). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*. ترجمه منصور محمود نژاد. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی (سلسله انتشارات روستا و توسعه: ش ۴).
- پیران، پرویز. (۱۳۸۱). «شورا در ایران: نگاهی آسیب‌شناسانه». *رفاه اجتماعی*. ش ۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: سمت.
- دیاس، هیران و بی. دبلیو. ای. ویکرامانایک. (۱۳۶۸). *درس‌نامه ریزی توسعه روستایی (برنامه‌ریزی محلی)*. ترجمه ناصر فرید. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی (سلسله انتشارات روستا و توسعه ش ۱۷).
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۰). «نگرشی بر نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران». *پژوهش‌های جغرافیایی*. ش ۴۱.
- _____ (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: قومس.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و همکاران. (۱۳۸۶). «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار». *روستا و توسعه*. ش ۲.

- ساسان، عبدالحسین. (۱۳۸۰). «نقش شوراهای اسلامی شهر و روستا در گسترش منابع طبیعی». *دام و کشت و صنعت*. ش ۲۷.
- سازمان خواروبار و کشاورزی. (۱۳۷۱). *تمرکززدایی منطقه‌ای برای برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی در خاورمیانه و شمال آفریقا*. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- سالنامه آماری کشور. (۱۳۸۶). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. تهران: مرکز آمار ایران.
- شریعتی، محمدتقی. (۱۳۸۲). «چالش‌های برنامه‌ریزی مشارکتی محلی (روستایی) در ایران مدل پیشنهادی مداخله برای توسعه». *مجموعه مقالات توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها*.
- شیخ، ابراهیم. (۱۳۸۱). *شورا و مشارکت: کاربرد روش‌های مشارکتی در مدیریت شهری*. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- صرافی، مظفر. (۱۳۷۷). *مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی و برنامه ریزی.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۲). «نظام اداره مردمی: زمینه‌ساز توسعه جامعه روستایی ایران، بر پایه مطالعات روستایی استان همدان». *مجموعه مقالات توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها*.
- طالب، مهدی. (۱۳۷۷). «شورای اسلامی روستایی: کارکردها، تنگناها». *مسکن و انقلاب*. ش ۸۴.
- علوی تبار، علی‌رضا. (۱۳۷۸). *تدوین الگوی مشارکت شهروندان در امور شهرها*. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۱). تهران: کیومرث.



- میسرا، آر. پی. (۱۳۶۸). *توسعه منطقه‌ای: روش‌های نو*. ترجمه عباس منجبر. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- وثوقی، منصور. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: کیهان.
- World Bank. (February 1975). Rural Development. Sector policy, paper.
- Wihick, A. (1999). *Encyclopedia of Urban Planning*. New York: McGraw-Hill.